

بررسی فضای منطقه واحتمال رویارویی آمریکا واسرائیل با ایران؛

سایه جنگ سنگین تر شده است



حمیدرضا مهدی‌آباد

هم‌زمان با بن‌بست در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، مجموعه‌ای از گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشرشده در رسانه‌های غربی، اسرائیلی و حتی داخل آمریکا و ایران، نشان می‌دهد که گزینۀ نظامی بار دیگر در محاسبات واشنگتن و تل‌آویو پررنگ‌تر شده‌است؛ هرچند هنوز نشانه‌ای از تصمیم قطعی برای آغاز یک حمله جدید در دست نیست اما هرچه به روزهای انتخابات کنست در اسرائیل و میان‌دوره‌ای کنگره آمریکانزدیک‌تر می‌شویم، لحن دوندان ترامپ و بنیامین نتانیاهو و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی، تندتر می‌شود.

در روزهای اخیر، رسانه‌هایی مانند تایمز و اسرائیل، الجزیره قطر، وال استریت ژورنال، جروزالم پست و والا به‌طور هم‌زمان چند تحول را برجسته کرده‌اند: ادامه اختلاف بر سر تنگه هرمز، فشار اقتصادی بر ایران، استقرار نیروهای آمریکایی در اسرائیل، بررسی گزینۀ‌های نظامی و افزایش لحن تهدیدآمیز ترامپ و مقام‌های اسرائیلی.

خاتم‌ها و آقاییان، به «میز سیاست خارجی توسعه ایران»ی خوش آمدید.

□ □ □ □

اظهارات به شدت تند این روزهای دونالد ترامپ و پیت هگست «وزیر جنگ آمریکا» در مقابل پاسخ‌های تقابلی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی بیانگر از میان رفتن توافق و شکل‌گیری نشانه‌های رویارویی میان واشنگتن و تهران است.

دیروز، الجزیره نوشت که عدم پاسخ به پیشنهاد ایران از سوی آمریکا، تهران را به‌سخت‌تر کردن مواضع سوق داده و منجر شد که رئیس‌جمهور ایالات‌متحده به گزینۀ نظامی متوسل شود.

به گفته کارشناس الجزیره، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که ترامپ بین هفته آخر اکتبر و هفته اول نوامبر هم‌زمان با انتخابات کنگره، به‌طور ناگهانی به ایران حمله کند.

تایمز و اسرائیل هم گزارش داده که مذاکرات تهران و واشنگتن در وضعیت بن‌بست قرار گرفته‌است، وزیر خارجه ایران هم تأکید کرده که جمهوری اسلامی برای جنگ آخر الزماتی هم آمده شده ولی مذاکرات مبتنی بر «عدالت و انصاف» می‌تواند به بحران پایان دهد؛ اما اختلاف بر سر تنگه هرمز همچنان یکی از اصلی‌ترین موانع توافق است.

محمدباقر قالیباف گفته ایران تا زمانی که هفت شرط خود را دریافت نکند، تنگه هرمز را بازگشایی نخواهد کرد. در عین حال، او تأیید کرده که پیشنهادهایی از سوی آمریکا از طریق یک میانجی به تهران منتقل شده‌است.

به گزارش رویترز، تنگه هرمز به‌طور فزاینده‌ای به یک منطقه حساس و پرخطر تبدیل شده است.

در صورت بروز تنش‌ها، این منطقه می‌تواند به یک منطقه بسیار حساس و پرخطر تبدیل شود.

اگر مذاکرات در روزهای آینده به نتیجه نرسد و هم‌زمان بحران هرمز تشدید شود، احتمال عبور بحران از مرحله فشار و تهدید به مرحله عملیات نظامی افزایش خواهد یافت. در آن صورت، آنچه امروز صرفاً به عنوان «سناریوی جنگ» در باره آن بحث می‌شود، تبدیل به واقعیتی جدید در منطقه خواهد شد

گزارش

حضور حدود ۳ هزار نیروی آمریکایی

در اسرائیل

از نگاه رسانه‌های اسرائیلی، این وضعیت یک دوگانگی مهم ایجاد کرده‌است: دیپلماسی هنوز کاملاً ریسک‌تست نخورده، اما فاصله میان دو طرف همچنان زیاد است و اهرم هرمز به یک گره امنیتی و اقتصادی تبدیل شده‌است.

والا گزارش داده که حدود ۳۰۰۰ نیروی آمریکایی در نقاط مختلف اسرائیل مستقر هستند؛ نیروهای شامل عناصر پدافند هوایی، خلبانان، تیم‌های پشتیبانی، لجستیک و ستادی.

با این حال، خود منابع امنیتی اسرائیلی به والا گفته‌اند که بخشی از این جابه‌جایی‌ها در چارچوب چرخش معمول نیروها انجام می‌شود و بنابراین نمی‌توان صرفاً از روی تعداد نیروها نتیجه گرفت که عملیات نظامی قریب‌الوقوع است. با وجود این، قرار گرفتن این موضوع در کنار سایر تحولات نظامی باعث شده رسانه‌های اسرائیلی آن را در چارچوب آمادگی برای احتمال تشدید دوباره درگیری با ایران بررسی کنند.

پیام سیاسی نتانیاهو:

مسئله ایران همچنان حل‌ننشده است

نتانیاهو دیروز در مراسم سالگرد ۷ اکتبر بار دیگر ایران را یک تهدید وجودی برای اسرائیل توصیف کرد و گفت اسرائیل اجازه نخواهد داد ایران موجودیت این کشور را تهدید کند.

او مدعی شد اسرائیل در جریان جنگ قبلی به توان موشکی و برنامه هسته‌ای ایران ضربه زده، اما در عین حال تأکید کرد که هنوز مأموریت‌هایی باقی مانده‌است.

به گزارش رویترز، تنگه هرمز همچنان

اگر وضعیت بحرانی تنگه هرمز همچنان تصاعدی افزایش یابد و از سطح فشار سیاسی و اقتصادی به یک بحران گسترده‌تر در بای تبدیل شود، محاسبات آمریکا و اسرائیل نیز طی روزهای منجر به انتخابات می‌تواند تغییر کند؛ زیرا در آن صورت مسئله دیگر صرفاً «پرونده هسته‌ای ایران» نخواهد بود و به برگره‌ای «رای دهندگان» گره خواهد خورد

به گزارش رویترز، تنگه هرمز همچنان

هرچند، دوروز پیش هم ایهود باراک نسبت به جنگ‌طلبی دوباره نتانیاهو با هدف تأثیر بر جریان اپوزیسیون دولتش و افکار عمومی در انتخابات پیش‌رو، هشدار داد و تأکید کرد که همه احزاب مخالف «بی‌بی» باید در کنار هم قرار گیرند تا او را از دفتر نخست‌وزیری رژیم اسرائیل بیرون کنند. البته همه نشانه‌ها هم در جهت حمله نیستند.

خروج بمب افکن های ۱-B از فیرفور

رسانه‌های آمریکادیروز گزارش دادند که پنتاگون تمام بمب‌افکن های B-1B-1 مستقر در پایگاه RAF Fairford بریتانیا را به پایگاه‌های داخل آمریکا بازگردانده است. این بمب‌افکن‌ها در جریان جنگ برای حمله به ایران مورد استفاده قرار گرفته بودند.

هرمز: نقطه‌ای که می‌تواند مسیر بحران را تغییر دهد

در رسانه‌های اسرائیلی، تنگه هرمز بیش از پیش به مرکز بحران تبدیل شده‌است.

ایران اعلام کرده تا زمانی که شروط پذیرفته

نشود، تنگه را باز نخواهد کرد. روز گذشته هم مطابق روال معمول هفته‌های اخیر، گزارش‌هایی مبنی بر آسیب دیدن یک نفتکش در تنگه هرمز توسط پرتابه‌ای ناشناس، منتشر شد. اگر وضعیت بحرانی تنگه هرمز همچنان تصاعدی افزایش یابد و از سطح فشار سیاسی و اقتصادی به یک بحران گسترده‌تر دریایی تبدیل شود، محاسبات آمریکا و اسرائیل نیز طی روزهای منجر به انتخابات می‌تواند تغییر کند؛ زیرا در آن صورت مسئله دیگر صرفاً «پرونده هسته‌ای ایران» نخواهد بود و به برگره‌ای «رای‌دهندگان» گره خواهد خورد.

دلایل پر رنگ شدن گزینۀ جنگ

مجموع گزارش‌ها حول شروع مجدد جنگ را می‌توان در سه عامل خلاصه کرد:

-اول: بن‌بست مذاکرات.

مذاکرات هنوز کاملاً متوقف نشده، اما اختلاف درباره هرمز و ششروط ایران مانع اصلی باقی مانده است.

-دوم: ادامه فشار اقتصادی بر تهران.

کاهش ارزش ریال و فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم بحران، تلقی می‌شود.

-سوم: حضور و جابه‌جایی نیروهای آمریکایی در منطقه.

حضور حدود ۳۰۰۰ نیروی آمریکایی در اسرائیل، حرکت یک ناوگروه تازه به سمت دریای عرب و استقرار ده‌ها هزار گفتگذار نیروی دریایی ایالات متحده طی هفته گذشته در منطقه. بنابراین، مسئله اصلی اکنون این نیست که آیا گزینۀ جنگ روی میز هست یا نه؛ بلکه این است که آیا کانال دیپلماتیک می‌تواند پیش از تبدیل شدن این گزینۀ به اقدام عملی، شکاف موجود بر سر هرمز و سایر شروط را ببندد؟

الجزیره در گزارش‌های دیگر، درباره تحکرات نظامی آمریکا در منطقه، به حضور و جابه‌جایی ناوهای هواپیمابر، گروه‌های آبی-خاکی و واحدهای شناسایی آمریکا اشاره و این پرسش را مطرح کرده است که آیا این آرایش نظامی می‌تواند مقدمه حمله به ایران باشد؟ این گزارش‌ها تأکید می‌کند که هم‌زمان با افزایش فشارهای واشنگتن بر تهران و تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ، آرایش نظامی آمریکا در منطقه در حال تغییر است.

سناریوی حمله غافلگیرکننده: چرا مطرح شده‌است؟

یکی از سناریوهایی که در تحلیل‌های اخیر درباره رفتار دولت ترامپ مطرح شده، این است که واشنگتن در صورت شکست مذاکرات، به جای اعلام قبلی یک عملیات گسترده، از عنصر غافلگیری استفاده کند. این سناریو با توجه به سابقه تهدیدهای ترامپ و هم‌زمانی آن با انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا اهمیت پیدا می‌کند. برخی تحلیلگران احتمال از سرگیری حملات پس از انتخابات را مطرح کرده‌اند، بنابراین بازه زمانی انتخابات می‌تواند یکی از متغیرهای مهم در محاسبات واشنگتن باشد.

از سوی دیگر، تحلیل منتشرشده در الجزیره درباره آینده پرونده ایران حتی سناریویی شدیدتر را مورد بحث قرار می‌دهد: حملات متمرکز به بخش‌هایی از توانمندی‌های باقی‌مانده ایران، به گونه‌ای که تهران با دشواری بیشتری بتواند به حمله پاسخ دهد. این تحلیل البته یک یادداشت تحلیلی و سناریوپردازی است و نه گزارش از تصمیم عملیاتی آمریکا.

اما دو مانع مهم هم برای سناریوی حمله وجود دارد:

-درست در زمانی که گزارش‌های نظامی درباره

افزایش آمادگی آمریکا منتشر می‌شود، یک تحول دیپلماتیک نیز رخ داده، ایران پاسخ اولیه خود به پیشنهاد آمریکا را از طریق قطر منتقل کرده و بررسی جزئیات ادامه دارد. به همین دلیل، نمی‌توان با قطعیت گفت واشنگتن از هم‌اکنون تصمیم گرفته است مسیر مذاکره را کنار بگذارد. -رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاهم دیروز در پیامی تأکید کرد که اگر جنگ جدیدی علیه ایران آغاز شود، آتش آن دامن همه رافرا خواهد گرفت.

به همین دلیل، نمی‌توان خیلی خوش‌بین به غافلگیر شدن مجدد جمهوری اسلامی به‌مانند شروع جنگ‌های دوازده و چهل‌روزه بود.

دبیر کل سازمان ملل راهی پایتخت پاکستان دیروز اما تحول دیگری هم صورت گرفت و بنا به نقل رسانه‌های پاکستان، آنتونیو گوترش که روزهای پایان ریاستش بر سازمان ملل را سپری می‌کند شخصا استین‌ها را بالا زده و راهی اسلام‌آباد می‌شود تا به مدت دو روز گفت‌وگو با مقامات میانجی، شناس باز کردن گره کور مذاکرات را امتحان کند.

مطابق روایت «اسفان دوجرنگ»، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد، سفر گوترش به پاکستان از روز سه‌شنبه آغاز می‌شود و به تلاش‌های دیپلماتیک اسلام‌آباد و اقدامات آن برای میانجی‌گری میان آمریکا و ایران اختصاص دارد و تا روز پنجشنبه هم ادامه خواهد یافت.

و در کنار سفر دبیرکل سازمان ملل به پاکستان، تحلیل «امیت سیگال» خبرنگار مشهور کانال ۱۲

اسرائیل هم خواندنی و قابل تامل است.

سیگال نوشت: در شرایطی که محاصره آمریکا ایران را به سوی بحران اقتصادی سوق داده که هر روز عمیق‌تر می‌شود، تهران باید وضعیت موجود را بشکند. پرسش این است که چه زمانی؟

وی تأکید کرد: تشدید تنش پیش از انتخابات اسرائیل و انتخابات میسان‌دوره‌ای آمریکا، بازارها را به وحشتی ناخوشایند خواهد انداخت. هرگونه گفت‌وگو درباره موضوعاتی غیر از امنیت نیز به‌سرعت تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. اتفاقی که برخی دیگر از سوی‌های نتانیاهو را به حاشیه می‌راند و در عوض، قیمت بنزین و ناکامی‌های ترامپ را در آستانه سوم نوامبر در کانون توجه رای‌دهندگان آمریکایی قرار می‌دهد. جنگ پیش از ۲۷ اکتبر، رأی دادن به بی‌بی و علیه ترامپ خواهد بود.

تهران که تمایلی ندارد اعتبار امنیتی نتانیاهو را تقویت کند، می‌تواند تا پایان هر دو انتخابات صبر کند؛ اما چنین تصمیمی در واقع رأی دادن به ترامپ خواهد بود.



اظهارات به شدت تند این روزهای دونالد ترامپ و پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا در مقابل پاسخ‌های تقابلی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی بیانگر از میان رفتن توافق و شکل‌گیری نشانه‌های رویارویی میان واشنگتن و تهران است

به گزارش رویترز، تنگه هرمز به‌طور فزاینده‌ای به یک منطقه حساس و پرخطر تبدیل شده است.

در صورت بروز تنش‌ها، این منطقه می‌تواند به یک منطقه بسیار حساس و پرخطر تبدیل شود. در صورت بروز تنش‌ها، این منطقه می‌تواند به یک منطقه بسیار حساس و پرخطر تبدیل شود.

در منطقه‌فعال‌تر شده‌اند و هم‌زمان، لحن تهدیدآمیز مقام‌های آمریکایی، اسرائیلی و ایرانی افزایش یافته است. اینها الزاماً به معنای آغاز قریب‌الوقوع جنگ نیستند، اما نشان می‌دهند که هزینه شکست دیپلماسی در حال افزایش و گزینۀ نظامی در حال تبدیل شدن به یک گزینۀ عملیاتی‌تر است.

از سوی دیگر، انتخابات اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، یک متغیر مهم و البته خطرناک به‌این‌معادله اضافه کرده‌است. هر دو دولت با ملاحظات سیاسی داخلی مواجه‌اند و هرگونه تشدید تنش می‌تواند محاسبات انتخاباتی آنها را تغییر دهد. به همین دلیل، بازه زمانی پیش‌رو می‌تواند از حساس‌ترین مقاطع بحران باشد؛ مقطعی که یک تصمیم سیاسی، یک عملیات محدود یا حتی یک حادثه پیش‌بینی‌نشده می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌ها را فعال کند.

البته هنوز یک مسیر برای جلوگیری از جنگ وجود دارد. انتقال پاسخ اولیه ایران به پیشنهاد آمریکا، تلاش‌های میانجی‌گرانه قطر و پاکستان و سفر دبیرکل سازمان ملل به منطقه نشان می‌دهد که دیپلماسی هنوز کاملاً از کار نیفتاده‌است. اما مسئله اینجاست که هرچه زمان بیشتری بدون توافق بگذرد، وزن مسیر نظامی در محاسبات دو طرف بیشتر خواهد شد.

در واقع، پرسش اصلی دیگر فقط این نیست که «آیا جنگ رخ خواهد داد؟» بلکه این است که آیا دیپلماسی پیش از آنکه آرایش نظامی و فشارهای سیاسی، تصمیم‌گیری را به سمت درگیری سوق دهند، می‌تواند بحران را مهار کند؟

و پاسخ‌ها به‌طور متطقی این چنین خواهد بود: اگر مذاکرات در روزهای آینده به نتیجه نرسد و هم‌زمان بحران هرمز تشدید شود، احتمال عبور بحران از مرحله فشار و تهدید به مرحله عملیات نظامی افزایش خواهد یافت. در آن صورت، آنچه امروز صرفاً به عنوان «سناریوی جنگ» درباره آن بحث می‌شود، تبدیل به واقعیتی جدید در منطقه خواهد شد.

به گزارش رویترز، تنگه هرمز همچنان

آخرین بررسی گزینۀ‌های مختلف در دولت ترامپ حکایت دارد، در حالی که هم‌زمان تلاش‌های دیپلماتیک درباره تنگه هرمز نیز ادامه دارد.

رفرور دهم‌زمان با بن‌بست هرمز

حادثه رفرفور در خلأ اتفاق نیفتاده‌است. در حال حاضریکی از اصلی‌ترین اختلافات تهران و واشنگتن، وضعیت تنگه هرمز است. ایران گفته‌بازگشایی کامل تنگه منوط به تحقق شروطی از سوی آمریکا است. تهران پیشنهاد داده بود در صورت پذیرش این شروط، روند بازگشایی و بازگشت عبور عادی کشتی‌های نفت رت انجام شود. آمریکانیز از طریق قطر پاسخ خود را در سال کرد. اما هنوز توافقی حاصل نشده‌است.

هم‌زمان عباس عراقچی روز یکشنبه تأکید کرد که جنگ راه‌حل نظامی ندارد و نتها مذاکراتی که از نگاه تهران عادلانه باشد می‌تواند به جنگ پایان دهد. این در حالی است که آمریکا هم‌زمان در حال تقویت توان نظامی خود در منطقه است.

به همین دلیل، رفرور را باید در چارچوب بزرگ‌تری دید؛ جنگ هنوز به‌طور کامل پایان نیافته، مذاکرات بر سر هرمز به نتیجه نرسیده، آمریکا توان نظامی بیشتری به منطقه می‌فرستد و هم‌زمان یکی از مراکز مهم استقرار بمب‌افکن‌هایش را به دلیل نگرانی امنیتی تخلیه می‌کند.

آیا خروج بی‌آهانه‌شان کاهش خطر جنگ است؟

شاید برخی گمان کنند که خروج بی‌آهانه‌شان کاهش خطر جنگ است، اما فعلاً نمی‌توان چنین برداشتی از شواهد موجود داشت. اگر هدف صرفاً کاهش حضور نظامی آمریکا بود، افزایش هم‌زمان نیروهای دریایی و اعزام ناو هواپیمابر جدید به منطقه توضیح دشواری پیدا می‌کرد؛ از سوی دیگر، پنتاگون صراحتاً گفته بمب‌افکن‌هایی بی‌۲ و بی‌۵۲ همچنان آماده‌اجرای عملیات دوربرد هستند.

از طرف دیگر، نباید از این حادثه نتیجه گرفت که حمله جدید آمریکا قطعی است. هنوز مذاکرات دیپلماتیک باز است و مقام‌های ایرانی و آمریکایی از مسیرهای غیرمستقیم برای رسیدن به توافق استفاده می‌کنند.

آنچه رفرور نشان می‌دهد، بیشتر از هر چیز افزایش حساسیت امنیتی جنگ و گسترش دامنه تقابل ایران و آمریکا به خارج از منطقه خاورمیانه است.

از سوی سپاه هدایت شده‌اند. در نخستین روزهای تحقیقات حتی احتمال دخالت بازیگران دیگری از جمله روسیه یا گروه‌های غیردولتی نیز بررسی می‌شد. گفتنی است، دولت ایران نیز هرگونه ارتباط با این ماجرا را رد کرده‌است.

چرا رفرور دبرای ایران اهمیت دارد؟

رفرور صرفاً یک پایگاه معمولی بریتانیاییست. این پایگاه به محل استقرار و عملیات بمب‌افکن‌های راهبردی آمریکادرو باتبدیل شده و در ماه‌های جنگ ایران و آمریکایی ۱ هاوی ۵۲های آمریکایی از آنجا برای عملیات در منطقه استفاده کرده‌اند. آکسیوس در ژوئیه گزارش داده بود که آمریکابرای نخستین بار پس از آغاز دور جدید درگیری‌ها، از بی ۱ برای حمله به اهداف سپاه در ایران استفاده کرده‌است.

از همین رو، سپاه در ماه ژوئیه هشدار داده بود پایگاه‌های بریتانیایی که در حمله به ایران نقش داشته باشند، می‌توانند هدف تلقی شوند. آکسیوس در گزارش مربوط به حادثه رفرفور به همین تهدید قبلی اشاره کرده‌است.

در واقع از نگاه تهران، رفرور بخشی از زیرساخت عملیاتی جنگ علیه ایران بوده و از نگاه واشنگتن، این پایگاه یکی از نقاط مهم برای اجرای عملیات دوربرد علیه ایران محسوب می‌شده‌است.

چرا آمریکا هواپیمابر را بر داند؟

پاسخ رسمی آمریکا «امنیت عملیاتی» و نگرانی در باره امنیت نیروها و تجهیزات است. اما زمان‌بندی این تصمیم اهمیت دارد.

آمریکادر اطرف در حال خارج کردن بمب‌افکن‌هایش از رفرفور است و در طرف دیگر، حضور نظامی خود در خاورمیانه را افزایش می‌دهد. بر اساس گزارش‌های اخیر، ناو هواپیمابر USS Theodore Roosevelt و گروه آبی-خاکی USS Makin Island به سمت منطقه حرکت کرده‌اند و مقام‌های آمریکایی از احتمال حضور سه ناو هواپیمابر در خاورمیانه سخن گفته‌اند. مجموع این جابه‌جایی‌ها می‌تواند هزاران نیروی نظامی جدید را وارد منطقه کند؛ بنابراین نمی‌توان خروج بی ۱ ها از بریتانیا را به نتایجی نشانه‌عقب‌نشینی آمریکا از گزینۀ نظامی دانست. برعکس، آمریکا در حال تغییر آرایش نیروهای خود است؛ بخشی از توان هوایی از اروپا خارج شده و هم‌زمان توان دریایی و نظامی در خاورمیانه تقویت می‌شود.

این نکته زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم واشنگتن هنوز درباره مرحله بعدی جنگ با ایران تصمیم نهایی نگرفته‌است. گزارش‌های

رفرور؛ حلقه‌ای تازه در جنگ ایران و آمریکا؛

چرا آمریکا بمب افکن‌هایش را از بریتانیا بیرون کشید؟



آماده‌سازی یک اقدام تروریستی را ادامه داد و پنج نفر را با قرا و وثیقه آزاد کرد. پلیس تأکید کرد: آزادی آنها به معنای پایان تحقیقات نیست. چند روز بعد، یک مرد ۲۵ ساله دارای تابعیت دوگانه بریتانیایی – ایرانی نیز در لندن در ارتباط با همین پرونده بازداشت شد و پس از تحقیقات با قرا و وثیقه آزاد شد. پلیس بریتانیا اعلام کرده همچنان در حال بررسی «همه احتمالات» از جمله دخالت احتمالی یک دولت خارجی است.

اتهام آمریکا علیه ایران چیست؟

وال استریت ژورنال به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی مدعی شده

خروج ناگهانی بمب‌افکن‌های آمریکایی از پایگاه رفرفور در بریتانیا در شرایطی اتفاق افتاده که واشنگتن هرهم‌زمان در حال تقویت حضور نظامی خود در خاورمیانه و بررسی گزینۀ‌های تازه درباره جنگ ایران است. آمریکایی گوید این جابه‌جایی ناگهانی امنیتی درباره یک طرح حمله به پایگاه مرتبط است؛ طرحی که مقام‌های آمریکایی آن را به ایران نسبت داده‌اند.

به گزارش رویترز، پایگاه هوایی رفرفور در گلاسترشر بریتانیا طی ماه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین نقاط عملیاتی آمریکادر جنگ با ایران تبدیل شده بود. حالا در اتفاقی کم‌سابقه، تمام بمب‌افکن‌های آمریکایی مستقر در این پایگاه به آمریکا بازگشته‌اند؛ اقدامی که ابتدا با مشاهده پرواز بمب‌افکن‌ها از سوی ناظران محلی مطرح شد و سپس پنتاگون آن را تأیید کرد. بر اساس گزارش‌ها، حدود ۱۲ فروند بمب‌افکن بی ۱ در این پایگاه مستقر بودند و در عملیات علیه ایران نیز استفاده شده‌بودند.

پنتاگون اعلام کرده این بمب‌افکن‌ها به پایگاه‌های اصلی خود در خاک آمریکا بازگشته‌اند، اما این به معنای خارج شدن آنها از چرخه عملیات نیست. وزارت دفاع آمریکا تأکید کرده نیروی بمب‌افکن این کشور شامل بی ۱، بی ۲ و بی ۵۲ همچنان برای اجرای حملات دوربرد آماده است و این هواپیماهای می‌توانند مأموریت‌های خود را از خاک آمریکا انجام دهند. بنابراین، آنچه تغییر کرده محل استقرار هواپیماهاست، نه اصل توانایی آمریکا برای استفاده از آنها علیه ایران.

ماجرای حمله به رفرور در کجا شروع شد؟

ماجرای بمباران پنج‌مهریامی کرد. پلیس بریتانیایی پس از دریافت گزارش درباره حرکت سه خودروی مشکوک به سمت پایگاه رفرور، نیروهای مسلح را به منطقه اعزام کرد. پنج مرد بریتانیایی ۲۳ تا ۲۵ ساله در ارتباط با این حادثه بازداشت شدند و حدود ۸۵ خانه نیز به‌عنوان اقدام احتیاطی تخلیه شد.

اما نکته مهم اینجاست که پس از بررسی خودروها، هیچ وسیله انفجاری قابل استفاده‌ای پیدا نشد و تنها مقداری بنزین کشف شد. پلیس ضدتروریسم بریتانیا با وجود این، تحقیقات درباره احتمال